

جاي براي جوانها نيست

1 آذر 1403

جشنواره فيلم فجر فقط مهم‌ترين جشنواره سينمايي ايران نيست، تنها ترين آن هم هست. با آنكه در سالهاي اخير ريزش مخاطب داشته و ديگر از صفهاي طويل دهه‌هاي هفتاد و هشتاد جلوي سينماهاي نمايش‌دهنده فيلم‌هايش خبري نيست، اما نمي‌توان تاثيرش را بر روند فيلمسازي کشور و اقتصاد سينما انکار کرد.

شايد به همين دليل افراد شوراي سياستگذاريش مي‌توانند نقش مهمي در بهبود يا تخريب سينمايي ايران داشته باشند. اعلام ديرنگام شوراي سياستگذاري چهل و سومين جشنواره فيلم فجر يك بار ديگر نشان مي‌دهد كه انگار قرار نيست جوانها، فيلمسازان مستقل و چهره‌هاي جديد و... نفس تازه‌اي به اين جشنواره بدمند. البته در اينكه معاونت سينمايي به دليل كوتاهي عمر فعاليتش و فرصت كوتاه باقيمانده در جشنواره چندان دست بازي هم نداشته، شكي نيست. اين نگاه و نظر هم قرار نيست پيشنهادي براي جشنواره پيش رو باشد. اما قاعدتا هر برنامه فرهنگي، اقتصادي، اجتماعي و سياسي نيازمند برنامه درازمدت براي آينده است.

به احتمال زياد چهل و سومين جشنواره فيلم فجر آخرين دوره اين جشنواره نخواهد بود. (اينكه به‌طور قطعي نمي‌گويم به خاطر همه اتفاقات خوب و بد است كه ممكن است براي جشنواره و کشور و دنيا رخ بدهد) اما قطعاً اگر دنيا به پايان نرسد و هنر هفتم به‌طور كل تعطيل نشود و... فيلمسازان جوان و مستقل ايران همچنان فيلم خواهند ساخت. تعدادشان هم خوشبختانه روز به روز بيشتري مي‌شود. با اين حساب سهمي كه در سينمايي ايران پيدا خواهند كرد، بيشتري خواهد شد.

گمان نمي‌كنم در تركيب شوراي سياستگذاري جشنواره پيش رو كسي صدائي اين جوانان و فيلمسازان باشد. صدائي كه اگر شنيده شود، مي‌تواند باعث تحريك بيشتري در اين جشنواره شود. جشنواره‌اي كه اگر چه عمرش از كوچك‌ترين عضو شوراي سياستگذاري (عليرضا تابش پنجاه‌ساله) كمتر است ولي نيازمند دميدن خون تازه در رگ‌هايي دارد كه وصل به شريان سينمايي کشور است. واضح‌تر بگويم اين نفرات كه خوشبختانه در ريف خوبان فرهنگ و هنر ايران هستند (با درجات بالا و پايين) اما نگاه و نگرش نسبتاً يكساني دارند. سالهاي زيادي براي جشنواره فيلم فجر، فارابي، خانه سينما و... برنامه ريخته‌اند و... چه مي‌شد اگر كنارشان افرادي قرار مي‌گرفتند كه نگاه متفاوتي به برنامه‌ريزي براي سينما و جشنواره داشته باشند. چه مي‌شد اگر سابقه مديريت نداشتند و فقط فيلمساز، منتقد، كارشناس و... بودند. چه مي‌شد اگر به جاي شصت‌سالگي، دهه شصتي يا حتي جوان‌تر بود؟

قصد پس زدن تجربه‌دارها و موسفيديان و تجربه كسب‌كرده‌ها نيست. نيت ميدان دادن به ايده‌هايي است كه جوانان خوشفكري در ذهن دارند كه نرمي صندلي مديريت‌هاي دولتي كرخت، تنبل و ملاحظه‌دارشان نكرده است.

بهتر است خان‌داييها (منظور افراد مصلحت‌اندیش شبيه شخصيت خان‌دايي فيلم قيصر است) را از

سياستگذاري جشنواره فيلم فجر و سينما و تئاتر و هنر و فرهنگ و... کنار نگذاريم، اما صندلي هايي را هم به جوانان پرشور و شور و اهل عملي شبیه قيصر (شخصيت فيلمي به همين نام از مسعود کيميايي) بدهيم. شايد در آن صورت موقعيت سينمايي تجريبي، فيلمسازان مستقل، سازندگان فيلم کوتاه و فيلم هاي زيرزميني و... بهتر شود.

*حسن لطفی - منتقد و مدرس سينما